



۴۱ کشته و بیش از ۲۳۴ زخمی در حملات تروریستی بی‌سابقه به فرودگاه آتاتورک استانبول

## شب وحشت ترکیه



وزیر کار بالاخره از برکناری شریک فریدون از مدیرعاملی بانک رفاه خبر داد

## شرکای دیگر برکنار می‌شوند؟!

یک عضو ارشد جریان اصلاح طلب عنوان کرد

## ۳ هزار فیش نجومی در دولت

معاون سازمان محیط زیست:

## برای مردم در زمینه گرد و غبار متأسفم!

## بهشتی، دغدغه‌هایش و نامه‌ای که خواندیم!

محسن جبارزاده\*

نامه تاریخی شهید بهشتی خطاب به امام(ره) در ۲۰ اسفند ۵۹ را که پس از غائله ۱۴ اسفند بنی‌صدر نوشته شد، بی‌تردید باید به عنوان یک «سند مهم ایدئولوژیک» دانست که هیچگاه رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرد. این نامه تاریخی که بخوبی بیانگر خط‌کشی‌های فکری و بینش‌های کلان‌مدیریتی در سطح کشور در اوایل انقلاب است لازم است مکرر در مکرر بازخوانی شود بویژه میان نخبگان. آن هم نه به دلیل ارضای حس نوستالژیک خودمان بلکه به تاریخچه همچنان شاهد تداوم هر دو بینش در بین مسئولان جمهوری اسلامی هستیم.

شهید بزرگوار در این نامه با هوشمندی راز اختلافات میان مسئولان وقت کشور شامل ۲ دسته حزب‌اللهی‌ها و خط امام و همچنین لیبرال‌ها و خط بنی‌صدر و بازارگان را نه شخصی که مربوط به ۲ نوع بینش متفاوت می‌داند و درباره اختلاف این ۲ بینش به امام عرض می‌کند: «بینش اول در برابر بیگانگان و هجوم تبلیغاتی و سیاسی و اقتصادی به نظام سخت به توکل بر خدا و اعتماد به نفس و تکیه بر توان اسلامی و برهیز از گرفتار شدن در دام داورهای دا دل‌سوزی‌های بیگانگان معتقد و ملتزم. بینش دیگر، هرچند دلش همین را می‌خواهد و زیانش همین را می‌گوید و قلمش همین را می‌نویسد اما چون همه مختصات لازم برای پیچوندن این راه دشوار را ندارد، در عمل لرزان و لغزان».

نقطه غم‌انگیز داستان برای شهید بهشتی آنجاست که با وجود آنکه امام(ره) در راس است، طرفداران بینش اول را مظلوم و در اقلیت می‌بیند و صدای طرفداران بینش دوم که در بدنه این نظام نویسا جایگاه‌های کلان‌مدیریتی را قبضه کرده‌اند از همه بلندتر است، لذا با تلخکامی خطاب به امام خود عرض می‌کند: «شاید برای شما شنیدن این خبر تلخ و دشوار باشد که بسیاری از کسانی که در طول سال‌های اخیر در راه حاکم شدن اسلام اصیل بر جامعه ما کوشیده و رنج‌ها برده‌اند و طول این سال‌ها به مقتضای طبیعت و ماهیت نظام اداری رژیم شاهی، در همه سازمان‌های لشکری و کشوری همواره در اقلیت بوده و زیر فشار اکثریت غربگرا یا شرق‌گرای حاکم بر این سازمان‌ها به‌سر برده‌اند».

## رهبر انقلاب در دیدار رئیس و مسؤولان قوه قضائیه با اشاره به دست‌اندازی دادگاه‌های آمریکا به داری‌های ایران بر پیگیری حقوق ملت در محاکم بین‌المللی تأکید کردند

# ورود به پرونده‌های بین‌المللی

تبلیغات مغرضانه رسانه‌های بیگانه و تهاجم به قوه قضائیه، در دوره کنونی افزایش بیشتری پیدا کرده که دلیل آن مواضع انقلابی، ارزشی و صریح رئیس دستگاه قضایی و مسئولان عالی این قوه است



پشت پرده اتحاد دیجیتال آمریکا، اسرائیل و آل سعود

## حملات هکری و وضعیت زرد سایبری

فضاسازی‌های آینده دولتی خواهید داشت؟

سلیکون ولی و مسلمان!

ج- بلافاصله پس از پایان موفقیت‌آمیز سناریوی حملات ضعیف اما پرامنه سعودی‌ها به سایت‌های ایرانی، محمد بن سلمان، نایب ولیعهد و وزیر جنگ آل سعود برای دیدار با اوامام و انعقاد قرارداد همکاری با شرکت‌های مطرح سلیکون ولی-دره فناوری‌های کنترل آمریکا- راهی ایالات متحده شدند. از طرفی پایگاه اینتلجینس آنلاین نیز در گزارشی مهم فاش کرد: «سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل و عربستان چند سال است با یکدیگر همکاری دارند اما اخیراً تصمیم گرفته‌اند این همکاری‌ها بخش سایبر را نیز شامل شود».

مهم‌ترین بخش در حوزه آینده‌پژوهی، سناریونویسی است. اکنون با توجه به اطلاعات ارائه شده می‌توانیم به سناریوهای احتمالی ناشی از توافق سایبری آمریکا، اسرائیل و عربستان با توجه به سابقه اتحاد سلیکون ولی و دستگاه امنیتی آمریکا در حوزه «دیپلماسی دیجیتال» بپردازیم.

### سناریوی حمله بزرگ

سناریوی اول می‌تواند مبتنی بر این واقعیت باشد که حملات پیشدستانه مشابه ماجرای ۱۱ سپتامبر در آمریکا یا اسرائیل این بار با استفاده از برتری‌های سایبری صورت گیرد و دور جدیدی از برتری‌های جهانی «به‌خاورمیانه به دنبال آن با جنگ و خونریزی و کشتار آغاز شود. مخاطرات یک حمله تروریستی تمام عیار به مواضع خودی اعم از انفجار در نیروگاه‌های هسته‌ای و زرادخانه‌های اتمی اسرائیل یا آمریکا یا فرضا شکست سد نیویورک، بسیار زیاد و کنترل چنین فجایع دست‌ساز نیز در حوزه عملیاتی بسیار سخت است. علاوه بر آن کار دولت آمریکا و رژیم اسرائیل برابر سوالات جامعه خودی به عنوان دولت‌های مدعی تکیه زدن بر مقام اول و سوم قدرت سایبری جهان، در توجیه ضعف پدافندی خود است اما اگر هدف «عربستان سعودی» باشد چطور؟ فقط فرض کنید اگر با یک حمله سایبری مثلاً به نیروگاه‌های برق مکه، فاجعه‌ای برای مسجدالحرام رخ دهد یا مثلاً جاه‌های نفت سعودی بر اثر یک خرابکاری سایبری هفت‌هفته‌ای آتش بسوزد، خوراک برای چه واقعی به میزان کافی و واقعی تهیه می‌شود؟

سهاده‌ترین وقایع بروز یافته به‌دنبال خودزنی کم‌هزینه آمریکایی-صهیونیستی آل سعود پس از «بحران بزرگ» را می‌توان چنین برشمرد:

- ۱- بازسازی اتحاد منطقه‌ای - عربی
- ۲- جلب حمایت جهانی برای خروج از موقعیت انفعال برابر اتحاد ایران
- ۳- بازپس‌گیری پایگاه‌های قدرت از ایران در کنش‌های بحران
- ۴- زمینه‌سازی برای رونمایی از خاورمیانه جدید
- ۵- وضع تحریم‌های بین‌المللی جدید علیه ایران
- ۶- بیرون راندن ایران از باشگاه قدرت‌های سایبری جهان

سناریوی آمریکایی-صهیونیستی مذکور بنا بر مستندات ارائه شده و توجه به فضا سازی چند ساله ایالات متحده پیرامون قدرت «غیرقابل کنترل» ارتش سایبری ایران و تأکید بر وجوب وضع «تحریم‌های سایبری» علیه ایران فرض دور از ذهن نیست. علاوه بر اینکه دفع خطر احتمالی، وجوب عقلانی دارد و دست‌کم گرفتن دشمن می‌تواند آخرین اشتباه ابرقدرتی باشد که از یک سو درگیر در جنگ بر سر تغییرات اجباری فرامنطقه‌ای در حوزه ژئوپلیتیک غرب آسیا و شمال آفریقا است و از طرف دیگر دقیقاً نمی‌داند با حملات هکری‌های مگس وزن سعودی چه باید بکند.

### مسئولیت‌بی‌اعتباری ملی

بدترین رفتار این است که به جای فعال شدن دستگاه دیپلماسی و کلاس کردن پرونده حقوقی و بزرگ کردن احترام تمام و کمال گذاشتن اما نیم کاخ‌نشین «پدر معنوی» دولت برای قهرمانان دیپلماسی تره خرد نمی‌کنند و گرفتن حق ایران از فاجعه منا چه شد؟! و دومی هم اینکه چرا در دوران نفت مفت فروشی زرنال زنگنه و در دورانی که مردم برای سبک‌کالی ناچیز آنگونه تحقیر شدند، مدیران عالی‌رتبه دولت حقوق که چه‌بگویم «پول زور» می‌گرفتند؟! یکی دیگر از نماینده‌های حامی دولت که اتفاقاً با جماعت کارگر هم «پرو بیبا» دارد خطاب به معاون اول جنب روحانی می‌گوید: «در عمل دچار «رودرباستی با رافقا» هستیم» همان رفتاری که از مرکز فرماندهی دولت بازدهم-سفارش مدیریت‌های مهم و کلان گرفته‌اند تعدادشان چقدر است، خدا می‌داند! نسخه اتاق فکر رئیس‌جمهور بیش از اندازه ضعیف است؛ کم‌کاری رقبای انتخاباتی روحانی در خرداد ۹۲ در مقابل «کلید» فلزی زمان تبلیغات که سوار بر ۲ سال پایانی خرابکاری دولت قبل در مدیریت مطالبات بحق اجتماعی شد، دوستان را در اشتباه انداخته است، فکر می‌کنند هنوز هم می‌توانند در موضع «مدعی» باشند.

## حقوق‌های سعودی یا کمک به سعودی؟

مسعود فروغی

چه کسی است که نداند دولت روحانی به خاطر افشای فیش‌ها و وام‌های نجومی در برابر افکار عمومی بشدت تحت فشار است؟ انگار همه یافته‌های «ماه عمل» دولت در تکرار کلید واژه «فساد قبلی‌ها» و اینکه «خانه از پایه خراب است» به یک‌باره پنبه شد، مساله حقوق‌ها تا لایه‌های پایین جامعه رسوخ کرده است. دولت اما جماعت را باز هم آرزو به دل گذاشت و به جای اینکه آب رفته اعتماد اجتماعی را به جوی بازگرداند، بعد از گذشت یک ماه از افشای بذل و بخشش بیت‌المال بین مدیرانش، توب را به جای خطرناکی شوت کرد.

اتاق فکر آقای روحانی انصافاً پرکارترین بخش دولت است. این دوستان زحمتکش جناب رئیس‌جمهور این بار برای فرار از دست فشار اجتماعی حقوق‌ها دست به دامان عربستان شدند: «مردم می‌خواهند بدانند قوه قضائیه چگونه با کسانی که خودسر و برخلاف قانون و امنیت ملی کشور به سفارتی حمله کردند، برخورد می‌کند». کمی طنز تلخ در این اظهار نظر رئیس دولت وجود دارد، چه؟ آن سوی آب برخی رسانه‌های خارجی در معنایی حرف روحانی زمینه‌سازی برای بهبود روابط با سعودی‌ها را عنوان کردند.

آن ششی که عده‌ای بابت اعدام یک عالم بزرگ در عربستان سفارت این کشور در تهران را به اشتباه آتش زدن سوال بزرگ این بود: «چرا دولت سعودی جرات این اقدام را پس از سال‌ها در زمان دولت روحانی پیدا کرده است؟! اما باز هم خیلی زود عاملین اصلی و فرعی آن ماجرا دستگیر شدند. یک جست‌وجوی ساده اینترنتی نشان می‌دهد دستگاه‌های مسؤول این کار هر چند در زمان حادثه کم‌کاری کردند اما برخورد با مقصران خیلی سریع شروع شد. حالاً اما پیش از یک ماه است مردم فهمیده‌اند مدیران ردیاب‌های دولت از خزانه‌ای که ادعا می‌شد خالی است کرور کرور حق‌العمل برداشته‌اند اما انگار اتفاق خاصی نیفتاده است! بدتر اینکه رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس که از حامیان دولت هم هست می‌گوید: «آقای رئیس‌جمهور! به عنوان یک نماینده در تابستان سال گذشته به وزیر جناب‌عالی بادآور شدم مشاوری خارج از عرف و قانون در حال انجام است، جلوی آن را بگیرید اما اقدامی بایسته نکرده‌اید». این یعنی داستان برای امروز و دیروز نیست و دولتی‌ها از ماجرا خبر نداشتند حالا اما برای اینکه از پاسخگویی درست و حسابی فرار کنند به کتاب‌های اتاق فکرشان «تغال» زده‌اند: «یک چیز دیگه رو کن!» آقایان مشاور اما درست محاسبه نکرده‌اند، برجسته‌سازی مساله عربستان مطرح کردن یک نقطه ضعف دیگر دولت است، پاشنه آشیلی که دقیقاً ادعای دولتی‌ها بود: «بهبود روابط و احترام متقابل در سیاست خارجی».

البته از حق نگذیریم نیمی از این ادعا درست از آب درآمد و دستگاه دیپلماسی ایران به کوچک و بزرگ دنیا احترام تمام و کمال گذاشت اما نیم دیگرش نه! عربستان که در بدترین اوضاع دهه‌های اخیرش از هر لحاظ قرار دارد، به وزیر دولت آقای روحانی ویزای ورود نمی‌داد، ماجرای فرودگاه جده هم که دیگر نرسید!

حالا که برای فراموشی حقوق‌های «سعودی» پای «سعودی»‌ها وسط آمد دولت باید ۲ پرونده بزرگ را جلو بکشد؛ هم اینکه چرا دوستان کاخ‌نشین «پدر معنوی» دولت برای قهرمانان دیپلماسی تره خرد نمی‌کنند و گرفتن حق ایران از فاجعه منا چه شد؟! و دومی هم اینکه چرا در دوران نفت مفت فروشی زرنال زنگنه و در دورانی که مردم برای سبک‌کالی ناچیز آنگونه تحقیر شدند، مدیران عالی‌رتبه دولت حقوق که چه‌بگویم «پول زور» می‌گرفتند؟! یکی دیگر از نماینده‌های حامی دولت که اتفاقاً با جماعت کارگر هم «پرو بیبا» دارد خطاب به معاون اول جنب روحانی می‌گوید: «در عمل دچار «رودرباستی با رافقا» هستیم» همان رفتاری که از مرکز فرماندهی دولت بازدهم-سفارش مدیریت‌های مهم و کلان گرفته‌اند تعدادشان چقدر است، خدا می‌داند! نسخه اتاق فکر رئیس‌جمهور بیش از اندازه ضعیف است؛ کم‌کاری رقبای انتخاباتی روحانی در خرداد ۹۲ در مقابل «کلید» فلزی زمان تبلیغات که سوار بر ۲ سال پایانی خرابکاری دولت قبل در مدیریت مطالبات بحق اجتماعی شد، دوستان را در اشتباه انداخته است، فکر می‌کنند هنوز هم می‌توانند در موضع «مدعی» باشند.

ادامه در صفحه ۵